



گزارشی از حال و هوای مادران امروز که تربیت‌کننده نسل فردا هستند

تحصیل‌کرده اما پرمشغله و کم‌حوصله

طرح نو | راضیه زرگری | در عصر اطلاعات، ارتباطات، سرعت، اینترنت و مشغله‌های فراوان، مادر خوب بودن واقعا هنر است. مادران امروزی دغدغه‌های زیادی دارند که یکی از مهم‌ترین‌هاش تربیت درست فرزندانشان است. بچه‌هایی که با کودکی‌های ما اصلا قابل مقایسه نیستند؛ بچه‌های امروز باهوش و متفکرند و زیر بار هر حرف و رفتاری نمی‌روند. آنها برای هر چیزی دنبال دلیل منطقی می‌گردند. به همین نسبت کار مادران هم

بهد تصمیم گرفتیم از مشاوره‌ها کمک بگیریم و یک چیزهایی را هم به تجربه‌های خود ارجاع دادیم که چه چیزهایی می‌تواند برای یک کودک ضربه زنده باشد و چه چیزهایی نه. این روزها هر کس می‌کند مادر بودن سخت‌تر از دوران مادران ما و قبل‌تر از آن است. این روزها خیلی چیزها وجود دارند که قبلا مثلا نبود یا کم‌تر بود. الان اعتماد اجتماعی به مردم خیلی کم شده و خانواده‌ها کم‌جمعیت هستند و بچه‌ها را با یاد به مهد سپرد یا در تنهایی بزرگ کرد که این هم هر دو جورش بد است. اگر مهدباشند که هر روز خیره‌های بدی از اتفاقات در مهدهای رسد اگر تنها باشند هم مشکلات خاص خودشان را دارند. مدرسه هم همین جور، پدر و مادرهای مانعی دانستند که مدرسه در عین آموزش و امکان تحصیل چه آسیب‌هایی به روحیه و شخصیت بچه‌ها وارد می‌کند. اما من که می‌دانم و از این که بچه‌ها به زمان مدرسه برسند نگرانم. امروزه نگرانی‌های من به‌عنوان مادر بیشتر است و گاهی فکر می‌کنم همه‌ما دچار وسواس شده‌ایم چون خودمان نتیجه تربیت‌های غلط گذشته را دیده‌ایم و نمی‌خواهیم این اتفاقات برای بچه‌هایمان بیفتند.

بر سر دوراهی

«غزاله» یک پسر ۶ ماهه دارد. در ۲۶ سالگی مادر شده و حالا بیش از هر زمان دیگری در مورد آینده دچار تردید است. به‌خصوص در مورد تربیت بچه که درست تربیتی پسرش دچار سردرگمی شده. او درباره دغدغه‌های آموزشی می‌گوید: «تربیت‌کردن بچه‌های

متاسفانه تربیت بچه اولویت چندم مادران این دوره است نه اولویت اول. شاید امروز کار کردن، درس خواندن و خیلی کارهای دیگر اولویت اول زنان باشد و اکثرا وقت و انرژی زیادی برای تربیت کودک نمی‌گذارند. به‌نظر من تربیت یعنی توجه و محبت پدر و مادر که کودک این دوره صدرصد از آن برخوردار نیستند.

مادران امروز اکثرا شاغل هستند که مجبورند بچه را پیش مادران خود یا به مهد کودک بگذارند. پس نیمی از روز را بدون بچه می‌گذرانند. وقتی هم که به خانه می‌آیند انرژی و حوصله سرور کل‌زندن و بازی کردن با بچه را ندارند. البته کلامادران امروز در تربیت بچه‌ها کم‌حوصله‌تر هستند. شاید این واکنش به زندگی امروزی و تنش‌های فکری جامعه امروز است.

چون بیشتر مادران امروزی وقت زیادی برای بچه‌هایشان اختصاص نمی‌دهند، دغدغه دارند که مبدا بچه‌ها از نظر عاطفی و روحی به مشکل برخوردند. من برای این مسئله از مطالعه، اینترنت و کلاس‌های مشاوره مهد کودک کمک گرفتم که معمولا هم خیلی مفید بوده و برای همه مسائل راه‌حل خوبی دریافت کردم. مثلا وقتی می‌خواستم دخترم را از پوشک بگیرم ۲ کتاب خواندم و با روانشناس صحبت کردم چون شنیده‌بودم این موضوع روی اعتماد به نفس بچه تأثیر می‌گذارد.

مادران امروزی؛ فاصله‌گیری از تربیت اخلاقی

در خانواده به بار آورد؟ متاسفانه «مادران امروز» به نحوی با فرزندان خود برخورد می‌کنند که آنها علاوه بر متوقع شدن - در اصطلاح- لوس‌بار می‌آیند. «مادران امروز» بی‌خبر از این مسئله، سعی می‌کنند که فرزندان‌شان هیچ کمبودی در زندگی احساس نکنند و همین مسأله در دسر زیادی برای آنها می‌آفریند.

پس نیمی از روز را بدون بچه می‌گذرانند. وقتی هم که به خانه می‌آیند انرژی و حوصله سرور و کله‌زدن و بازی کردن با بچه را ندارند. البته کلامادران امروز در تربیت بچه‌ها کم‌حوصله‌تر هستند. شاید این واکنش به زندگی امروزی و تنش‌های فکری جامعه امروز است که مادران را کم‌حوصله کرده. خود من هم از این قاعده مستثنی نیستم با این که سرکار نمی‌روم ولی در رفتار با پسرم انطور که باید صورت نیستم و زودجوش می‌آورم و پر خاش می‌کنم. البته همیشه سعی کرده‌ام از تجربیات مادرم برای تربیت فرزندم استفاده کنم و در کنارش مطالعه و جست‌وجو هم داشته باشم که خیلی هم به من کمک کرده. به‌نظر اینترنت و کسب اطلاعات از طریق شبکه‌های اجتماعی است که مادران امروز به‌روز کارشناسان تربیتی استفاده کنند.

دغدغه پرورش استعدادهای فرزند

«بشری» ۲ فرزند ۱۰ و ۵ ساله دارد. برای او پرورش استعدادهای فرزندانش خیلی اهمیت دارد. بشری می‌گوید: «مادر امروزی به‌خصوص کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، سعی می‌کنند از امکانات رفاهی مثل موسسات آموزشی و فرهنگی فراوان برای پرورش استعدادهای کودکان استفاده کنند. در واقع دغدغه‌های اصلی مادران امروز پرورش استعدادها بچه‌هاست. سطح دانش آنها هم به دلیل حضور بیشتر در جامعه و دسترسی به اینترنت و اطلاعات روز در حوزه‌های مختلف پزشکی، مهارت‌های زندگی و هنری بیشتر شده است، به عبارتی مادران این دوره سعی می‌کنند هر روز خود را به‌روز کنند و از آخرین مهارت‌ها برای تربیت فرزندان‌شان استفاده کنند. حال و هوای مادران امروزی به این برمی‌گردد که هنوز با سنت‌ها و فرهنگ کشور در ارتباط باشند و آموزش‌های مادرانشان برای تربیت بچه‌ها باشند یا این که تحت تأثیر فرهنگ مادران امروز را از چند نفر از آنها که درگیر تربیت نسل فردا شیوه‌های تربیتی فرنگی‌بهره‌برند.

کتاب، اینترنت و مشاوره

«مهدیه» شاغل است و یک دختر ۴ ساله دارد. ساعت‌هایی که خودش در خانه نیست، «آروشا» را هم به مهد کودک می‌سپارد. او از دغدغه‌های تربیت دخترش می‌گوید: «به نظر من کار مادران امروز به‌خصوص اگر شاغل هم باشند خیلی سخت‌تر است. البته بچه‌های امروز هم در این سخت‌تر شدن روش‌های تربیتی تأثیر گذارند؛ بچه‌هایی که خیلی باهوش‌ترند و برای هر چیزی باید برایشان دلیل منطقی بیابوری. قانع کردنشان اصلا راحت نیست. مادران قدیمی خیلی به آموزش بچه‌ها اهمیت نمی‌دادند و بیشتر به همان مدرسه بسنده می‌کردند. اما حالا یکی از دغدغه‌های اصلی مادران بعد از ۳ سالگی بچه‌ها، آموزش است. در این میان تکنولوژی هم کمک کرده البته قبول دارم که تا حدودی استفاده بیش از حد از موبایل، تبلت و بازی‌های رایانه‌ای مخرب بوده ولی مدیریت استفاده از این وسایل هم دست خودمان است. اکثر مادران امروزی تحصیلات دانشگاهی دارند که این خودش نکته مثبتی است. آگاهی نسبت به تربیت بچه‌هاست ولی از طرفی چون بیشتر مادران امروزی وقت زیادی برای بچه‌هایشان اختصاص نمی‌دهند، دغدغه دارند که مبدا بچه‌ها از نظر عاطفی و روحی به مشکل برخوردند. من برای این مسئله از مطالعه، اینترنت و کلاس‌های مشاوره مهد کودک کمک گرفتم که معمولا هم خیلی مفید بوده و برای همه مسائل راه‌حل خوبی دریافت کردم. مثلا وقتی می‌خواستم دخترم را از پوشک بگیرم ۲ کتاب خواندم و با روانشناس صحبت کردم چون شنیده‌بودم این موضوع روی اعتماد به نفس بچه تأثیر می‌گذارد. به‌نظر من مطالعه و کسب آگاهی برای مادران امروز در تربیت بچه‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

تجربه قدیمی‌ها الگوهای عکس امروز

«شیوه» تربیتی امروز با دوره‌های پیش خیلی تفاوت کرده چون بچه‌های این دوره قابل مقایسه با بچه‌های خود ما نیستند؛ اینها را منمیر که مادر کودکی ۵ ساله امروزی با مادران بی‌روز خیلی فرق دارند. مادران این دوره سطح علم و دانش بالاتری نسبت به قبل دارند و این سطح علم و آگاهی‌شان هم مطمئنا در سبک زندگی‌شان تأثیر گذاشته است. به‌طوری که امروز می‌بینیم کمتر مادری تمام‌وقت خودش را وقف بچه می‌کند. مادران امروز اکثرا شاغل هستند که مجبورند بچه را پیش مادران خود یا به مهد کودک بگذارند.

کتابیون خوشایبی

روایت‌شک کودک

پدر و مادر؛ نه مادر!

باتوجه به این که کودکان، محصول مشترک تربیت والدین هستند، لذا نمی‌توان نقش پدران را در این زمینه نادیده گرفت. متاسفانه پدران امروز ما به شدت درگیر کار هستند و در سیستم خانواده، حضور کم‌رنگی دارند اما برای تربیت، خصوصا برای تربیت پسران، حضور پررنگ پدر، نقش بسزایی دارد. اگر بخواهیم در مورد سبک‌های تربیتی فرزندان صحبت کنیم، ۴ دسته از خانواده‌ها، متصور است:

دسته اول، سبک تربیتی مستبدانه

این سبک تربیتی در دوران گذشته و در جوامع مختلف شایع‌تر بوده است. در این نوع سبک تربیتی که بیشتر در خانواده‌های پدربالا دیده می‌شود، پدر، رفتاری مستبدانه دارد که از فرزندان، انتظار حرف شنوی و فرمانبری مطلق دارد. در حقیقت، سلسله مراتب از طرف پدر به فرزندان ابلاغ می‌شود و فرزندان، محکوم به پذیرش هستند.

در این نوع فرزند پروری، به دلیل فشاری که روی فرزندان وجود دارد و این که «نه» شنیدن والدین از طرف کودکان، جایی ندارد، باعث ایجاد احساس ناامیدی و سرخوردگی در فرزندان می‌شود. همین موجب می‌شود تا این افراد، مستعد افسردگی در دوران کودکی و نوجوانی می‌شوند. زمانی که این فرزندان، بزرگ می‌شوند، افرادی با اعتماد به نفس پایین، احساس ناامیدی، ناامی و درماندگی آموخته‌شده و افسردگی خواهند بود.

دسته دوم، سبک تربیتی سهل‌گیر

این نوع سبک تربیتی که در نسل امروز، بیشتر شاهد آن هستیم، پدر و مادر در تربیت فرزندان، سهل‌گیر هستند. فرزندسالاری در خانه حاکم است و فرزندان، حاکم بر لامنازع خانه هستند. به‌طور کلی، ابزار قدرت، دست فرزندان است. آنها هر کاری که دلشان می‌خواهد، انجام می‌دهند و همه درخواست‌های آنها، با پاسخ «بله» از طرف والدین، پذیرفته می‌شود.

نتیجه استفاده از چنین سبک تربیتی، پرورش کودکی خودشیفته، پرتوقع و با آستانه تحمل پایین است. کودکی به شدت شکننده که انتظار رفتاری مشابه رفتار والدین‌شان، از جامعه و دیگر افراد دریافت می‌دارند. جامعه، چنین رفتاری را آنها ندارد و بنابراین، این کودکان از همه چیز ناآزاد هستند.

دسته سوم، سبک تربیتی مقتدرانه

در این گونه سبک تربیتی، در عین حال که والدین از نظر عاطفی، توجه و حمایت کافی را به فرزندان خود دارند، از طرف دیگر، در زمان لازم، با فرزندان‌شان با قاطعیت برخورد می‌کنند و به‌طور کلی، پدر و مادرهای قوی و در عین حال مهربان‌این، این سبک تربیتی، کودکان را به‌طور نرمال و طبیعی پرورش پیدا می‌کنند و در بزرگسالی، افراد موفق خواهند بود.

دسته چهارم، سبک تربیتی بی تفاوت

همانطور که از نام آن مشخص است، در خانواده‌هایی با چنین سبک تربیتی، همانند

مادران امروز، مادران دیروز

خانواده‌های سهل‌گیر، هیچ‌کس از نظر موقعیتی، سر جای خود نیست. در سبک بی تفاوت، حد و مرزی وجود ندارد. بچه‌ها به‌صورت خودرو، بزرگ می‌شوند. پدر و مادرها توجه و حمایت عاطفی لازم را به فرزندان ندارند و ابزار کنترل هم کمتر وجود دارد. خانه مثل خوابگاه است که افراد در کنار هم زندگی می‌کنند اما هر کسی ساز خود را می‌زند.

دوگانه «یادگیری و آموزش - سرشت و نهاد» در بسیاری از موارد، خانواده‌هایی که سبک تربیتی مقتدرانه - یعنی بهترین سبک فرزندپروری - را استفاده می‌کنند، چنین چیزی را از خانواده‌هایان آموخته‌اند و در کنار آن، تنها مسأله‌گرش و عمل نیست.

والدین، نیاز به آموزش هم دارند. کلاس‌های فرزندپروری، این روش‌ها را به خانواده‌های آموزد که چگونه توازن میان قدرت و عاطفه برای رابطه با فرزندان‌شان، برقرار کنند. بنابراین، بخشی از نحوه تربیت فرزندان، باید به‌صورت یادگیری و آموزش باشد و بخشی دیگر نیز به‌صورت سرشتی و نهادی را باشد که از خانواده‌های خود، چنین سبک‌هایی را آموخته باشند. اغلب ما با فرزندان‌مان آن گونه رفتار می‌کنیم که با ما رفتار شده است. اگر مادر معرض خشونت بوده باشیم، ممکن است ما نیز همین رفتار را با فرزندانمان داشته باشیم و برعکس، اگر پدران و مادران سهل‌گیری داشته باشیم، ممکن است با همان روش تربیتی با فرزندانمان رفتار کنیم. اینجاست که نقش آموزش بسیار پررنگ می‌شود.

خوشبختانه امروزه خانواده‌های زیادی از کلاس‌ها و جلسات مشاوره‌ای برای تربیت فرزندان‌شان استفاده می‌کنند.

در حال حاضر، می‌بینیم که استقبال خوبی می‌شود و خانواده‌های امروز، نسبت به گذشته، تمایل بیشتری به آموزش و یادگیری و بالابردن آگاهی خودشان نسبت به فرزندان‌شان دارند. معمولا از تمام اقشار جامعه، مراجعه‌کننده داریم. باید داشته باشند. بدیهی است، خانواده‌هایی که رفتار ترند را با پایبندی آلی، بیشتری درگیرند، فرصت یا نگرش کافی برای حضور در این کلاس‌ها را کمتر واجد هستند. خانواده‌هایی که از ادت هستند و مسائل مالی کمتری دارند، ممکن است بهتر نتوانند این جلسات آموزشی استفاده کنند.

تفاوت تربیتی مادران امروز و دیروز

خوشبختانه، مادران امروز نسبت به مادران قدیمی کمتر خشن هستند از تنبیه بدنی در روش‌های تربیتی امروز کمتر استفاده می‌شود. برای مشاوره و ارتقای سطح دانش تربیتی فرزندان، بیشتر به مراکز آموزشی و روانشناسان مراجعه می‌کنند. سطح فرهنگ و آگاهی مادران امروز، نسبت به یک یا ۲ دهه پیش، متفاوت است. استفاده از رسانه‌ها، وسایل ارتباط جمعی، کمک موثری به خانواده‌ها، به‌خصوص مادران برای بالابردن سطح آگاهی‌شان می‌کند. خوشبختانه، خانواده‌ها به‌خصوص مادران کم‌کم در حال استفاده از روش‌های نوین تربیتی هستند و در نسل امروز، با کودک آزاری جسمی یا استفاده از تنبیهات بدنی شدید کمتر مواجه هستیم؛ که خود این می‌تواند خبر خوشحال‌کننده‌ای برای آینده فرزندان ما باشد.

ادامه از صفحه ۹

تشریح آسیب‌های اجتماعی مادران شاغل

در جلسات کمیسیون باحیثی به‌صورت خصوصی به اطلاع ایشان رساندیم. نظر ما این بود که باید دولت از زنان شاغل حمایت کرده و شرایطی را ایجاد کند که زنان و دختران و به ویژه مادران ما به‌جای این که بخواهند خدمات اداری، شرکت‌ها و نهادهای خارج از خانه کار کنند، این فرصت در خانه‌ها فراهم شود.

این طرح موضوع تازه‌ای نیست و پیش از این در دنیا تجربه شده و جواب داده است. به‌عنوان نمونه امروز اقتصاد کشور چین که اقتصادی پیشرفته و مستحکم است، بر پایه کارهای خرد و مشاغل خانگی حرکت می‌کند. ما همین تجربه را می‌توانیم در ایران پیاده کنیم البته کار سختی است و نیاز به پیش‌شرط‌ها و زمینه‌سازی دارد اما شنیدن نیست.

• آیا این طرح همان ایده معروف دولت محمود احمدی‌نژاد مبنی بر «دور کاری» است که با شکست همراه بود؟

خیر. دور کاری به این معنی بود که کارکنان ادارات دولتی به جای این که در محل کار و ادارات وظایف خود را انجام دهند، این وظایف را در خانه انجام می‌دادند. اما طرحی که ما را به یاد کردیم، بر پایه گسترش مشاغل خانگی استوار بود البته من نمی‌گویم که طرح فوق بدون اشکال و خیلی راحت است. حرف اصلی این است که به واسطه اشتغال مادران، نسل جدید دارای روحیه‌ای عصبی و پراسترس است و این کودکان با همین روحیه رشد کرده و فردا وارد جامعه می‌شوند. لذا باید یک کار جدی برای جلوگیری از گسترش این ناهنجاری توسعه و پیشرفت کشور سهیم باشند اما این شرایطی دارد. این شرایط را هم در قالب طرحی آماده کرده و پیش از رأی اعتماد مجلس به وزیر کار

کنیم؛ شاید نتوانیم مقصر همه این موارد را «مادران امروز» بدانیم. دنیا پیشرفت کرده و متناسب با این پیشرفت تغییراتی در نحوه پرورش و رابطه با بچه‌ها آمده و بحث‌های آموزشی هم تفاوت پیدا کرده است. اما کاش این علم و پیشرفت با تجربه گذشته همراه می‌شد؛ آن وقت می‌شد ادعا کرد که آن چه لازمه تربیت صحیح فرزندان است، به دست می‌آید.

متاسفانه آموزش کمتر در خانواده‌ها دیده می‌شود و اخلاق و معنویات بسیار کم‌رنگ شده است. وجود رقابت، شیوه تربیتی نادرست را دگرگون کرده و همین طور متناسب با تجربه‌های جدید فرزندان در دنیای پر رنگ و ولاب امروز، مادران مجبور می‌شوند که به‌نیازهای بچه‌های خود پاسخ دهند. البته اگر بخواهیم از نگاه دیگری به این موضوع نگاه